

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

دام تزویر

مده ای محتسب آزار کس را
چه می خواهی پی اقرار کس را
«تو خود را باش» با شلاق تزویر
که نی سر ماند و نی دستار کس را
دگر آسان به دام خود نیاری
به این افسانه و افسار کس را
مقام کس نصیب تو نگرده
گر اقرار است و گر انکار کس را
نمی دانی که از بیداد جمعی
نه دین ماند و نه با دین کار کس را
ز ویرانگر چنان ویرانه شد شهر
که نه دل ماند و نی دلداری کس را
نه راه خانقاه و مسجد آباد
بنای دوستی ویران شد آن سان
ز راکت آفتی بر شهر بارید
بساط خودسری از بسکه گرمست
خوش ایامی که در جمع مجاهد
و یا آن که خریدن بود مشکل
ولی امروز از فرط خیانت
خدای من به محرومی مینداز
به چنگ ذلت و ادبار کس را

«اسیر» از ناتوانی بار دوش است

مکن یا رب به دوشی بار کس را

(شهر بن - المان، جنوری ۱۹۹۶)